

abstract:

Since the history of human life has always been associated with wars and conflicts, both domestic and international, and during the wars there have been many killings, many of which were unjust, in this study we seek to protect the rights of non-combatants. Examine the fighters during the conflict from the perspective of Islamic humanitarian law. Given the Islamic approach to respecting the rights of non-combatants and the distinction between them and combatants, it is important to distinguish between the two. Because the principles of humanitarian law have a long history in Islamic law, before being formulated in international instruments such as the Hague and Geneva Conventions of 1949. This issue can be seen in the verses of the Holy Quran and the biography of the Holy Prophet (PBUH) and the pure Imams. Studies show the importance of the rights of all human beings, including combatants and non-combatants, and the inherent dignity of individuals from the perspective of Islam

تفکیک رزمندگان و غیررزمندگان در جنگ با تأکید بر حقوق بشردوستانه در اسلام

محمد جلیلیان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

نقی آقازاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

چکیده:

از آنجا که تاریخ زندگی بشر همواره با جنگ ها و مخاصمات، اعم ا داخلی و بین المللی همراه بوده است و در طی جنگ ها کشتارهای زیادی که بسیاری از آنها غیرعادلانه بوده صورت گرفته است، در این پژوهش در صدد هستیم تا حقوق غیررزمندگان را از رزمندگان طی درگیری ها از منظر حقوق بشردوستانه اسلامی بررسی کنیم. با توجه به رویکرد اسلام نسبت به رعایت حقوق افرادی که در جنگ شرکت ندارند و تمایز میان آنها و رزمندگان در جنگ، تفکیک این دو واجد اهمیت می باشد. زیرا اصول حقوق بشردوستانه، پیش از آنکه در اسناد بین المللی مانند کنوانسیونهای لاهه و ژنو ۱۹۴۹ به صورت مدون و موضوعه تدوین شود، در حقوق اسلام سابقه ای دیرینه داشته اند. این مساله در آیات قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار قابل مشاهده است. بررسی های انجام شده نشانگر اهمیت حقوق تمامی انسانها اعم از رزمندگان و غیررزمندگان و کرامت ذاتی افراد از دیدگاه اسلام است.

واژه های کلیدی: رزمندگان، غیررزمندگان، اسلام، حقوق بشردوستانه، جنگ، اسیران.

^۱ دانشجوی دکترای رشته الهیات و معارف اسلامی (گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی)، دانشکده الهیات و معارف، دانشگاه مازندران

^۲ دکترای فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی قم

تاریخ بشر از آغاز، همواره شامل منازعات و درگیری‌ها بوده است. جنگ‌ها که بخش بزرگ و البته غم‌انگیزی از تجربه زندگی اجتماعی بشر را روایت می‌کنند، با تاریخ بشر چنان عجین شده‌اند که بسیاری از متفکران و صاحب‌نظران جنگ را بخش جدایی‌ناپذیر روابط میان اقوام و ملل در طول تاریخ دانسته‌اند. ادیان الهی، از آنجا که همواره ناظر به زندگی انسان در دو بعد فردی و اجتماعی بوده‌اند، به موازات ارائه نسخه برای ارتقا و بهبود خصائل فردی آحاد افراد جامعه، تلاش فراوان و سعی بلیغی را صرف این مهم کرده‌اند تا برای زندگی اجتماعی بشر و دفع بلاها، که در سطح و حوزه اجتماعی گریبانگیر آدمیان شده است، نیز به ارائه راهکار بپردازند. در این راستا، یکی از دغدغه‌های مهم ادیان الهی، به ویژه شرع مقدس اسلام، به ارمغان آوردن عدالت و صلح پایدار میان اقوام و ملل گوناگون بوده است. در این مسیر، گرچه ایده ریشه‌کن کردن جنگ یک آرمان دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد، ولی محدود کردن دامنه آن، آرزوی دست‌یافتنی است. از این رو، تأکید بر پرهیز از وقوع جنگ، در کنار محدود کردن دامنه جنگ و نیز قانونمند کردن آن در صورت وقوع، وجهه همت بسیاری از احکام و تعالیم واردشده در ادیان الهی، به ویژه اسلام، بوده است.

منازعات مسلحانه، معمولاً همراه با صرف هزینه‌های فراوان انسانی، مالی و روانی است، که مهم‌ترین جنبه آن، تلفات فراوان بشری است که به صورت مرگ و میر و معلول و آواره شدن هزاران انسان بی‌گناه جلوه‌گر می‌شود. دین مبین اسلام نیز به عنوان منادی رحمت و مودت میان انسان‌ها، همواره از زمان ظهور خود تا کنون، در محیطی نشو و نمو پیدا کرده که آکنده از جنگ‌های خونین بوده است؛ از این رو، دارای جهت‌گیری‌هایی نسبت به این وقایع و رویدادهاست، که هدف غایی آن، حفظ کرامت و ارزش بشری در نبردها می‌باشد. ترویج حقوق بشر دوستانه به نیت جلوگیری از گسترش دامنه مخاصمات و مراعات معیارهای انسانی و اخلاقی توسط طرفین درگیری، با توجه به قدمت و وسعت دامنه تخریب جنگ‌ها، امروزه به صورت یک جنبش فراگیر جهانی در آمده است و مراجع بین‌المللی و دولت‌ها، برای ترویج و اعتلای آن در سطوح مختلف فعالیت می‌کنند. این امر در حالی است که این اصول بشردوستانه، پیش از آنکه در اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون‌های لاهه و ژنو به صورت مدون و موضوعه تدوین گردد، در حقوق اسلامی سابقه‌ای دیرینه داشته‌اند. این امر با مذاقه در آیات قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم و ائمه اطهاره و آرای فقها قابل مشاهده است.

۱- رزمندگان

همه کسانی که به هر نحوی توانایی جنگیدن با سپاه اسلام را دارا هستند و در عمل اقدام به انجام عملیات نظامی نموده‌اند، رزمنده محسوب می‌شوند؛ و اسلام اجازه جنگیدن با آنها و کشتن شان را داده است. این دسته شامل افرادی که توانایی جنگیدن را ندارند، ولی به دلیل ارائه طرح‌های نظامی و نقشه‌های جنگی با دشمن همکاری کرده‌اند نیز می‌شود. (مانند کشته شدن درید بن الصمه^۱ در جنگ حنین به دستور پیامبر^۱

^۱ . ابن هشام، سیره نبوی، سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، جلد ۲، ص ۲۹۸.

. جاسوسان دشمن، که کافر و از اتباع دشمن باشند، کشته می شوند، ولی در مورد مسلمانان و اتباع دارالاسلام که مرتکب جاسوسی برای دشمن می شوند، به استناد برخورد پیامبر با «حاطب بن ابی بلتعنه» در فتح مکه، برخی قائل به عدم جواز اعدام آنها هستند.

۲ - غیر رزمندگان

مسأله حفظ جان غیر نظامیان و افراد بی گناه در جنگ، از مسایلی است که امروزه با وجود سلاحهای دوربرد و بمب افکن های غول پیکر و سلاح های کشتار جمعی از اهمیت فوق العاده برخوردار است؛ و از معضلات امروز، عدم رعایت قوانین و مقررات مربوطه توسط دول محارب می باشد، در اسلام نمی توان هیچ گونه آسیبی نسبت به زنان و کودکان وارد کرد. حتی اگر زنان در جنگ همکاری و معاونت بنمایند.

در اینجا باید به چند نکته اشاره کرد:

اول اینکه، ذکر پیران و کودکان و زنان به مفهوم رزمنده محسوب شدن مردانی که از جنگ کناره گیری کرده اند نیست. زیرا در زمان رسول گرامی اسلام، جنگها ویژگی قبیله ای داشت. به همین دلیل تمام مردانی که قادر به حمل سلاح بودند در جنگ مشارکت می کردند و رزمنده محسوب می شدند. بنابراین ملاک در رزمنده بودن و نبودن مشارکت در جنگ می باشد. پیامبر اسلام می فرماید: «لا یقاتلو الا من قاتلهم» جز با کسانی که با شما می جنگند جنگ نکنید.^۳

دوم اینکه، برخی به استناد اینکه در روایات، صرفاً بر زنان و پیران و اطفال و مجانین تصریح شده کشتن تمام مردان حتی کسانی که در جنگ شرکت نداشته اند را مجاز می دانند. دلایل طرفداران این نظریه به شرح زیر است:

- اصل بر کشتن و قتل کنار است و مواردی که رسول الله (ص) بیان فرموده اند استثناء می باشد. پس در آنچه که خارج از موارد استثناء باشد باید به اصل عمل کرد.

- آیه پنجم سوره توبه دلالت بر این دارد که کفار در هر جا که یافت شوند باید به قتل برسند.

به نظر می رسد طرفداران این نظریات، مسایل و موضوعات قرآنی و فقهی را صرفاً بر ظاهر آنها حمل می کنند و به سایر دلایل و عملکردهای نبی مکرم اسلام و آیات قرآن توجهی ندارند.

اولاً: در اسلام اصل بر کشتن نیست، چنین تفکری با مبانی پذیرفته شده اسلام مغایر است. در اسلام اصل بر هدایت و نجات انسانهاست نه کشتن آنان-

^۲. کنوانسیون ۱۹۴۵ ژنو در خصوص حمایت از جان مردم غیرنظامی.

^۳. حافظ، ابوالعلاء، ابن کثیر، البدایه النهایه، انتشارات دارالکتاب، جلد چهارم، ص ۲۷۹.

ثانیا: اصل بر مبارزه و مقابله با جنگاوران دشمن و کسانی است که علیه اسلام دست به شمشیر برده اند. این موضوع در آیه زیر تصریح شده است

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ يقاتلوا نكم و لا تعتدوا إن الله لا يحب المعتدين»^۴ در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید و زیاده روی نکنید، زیرا خداوند متجاوزین را دوست ندارد. از این آیه می‌توان نکات زیر را پی برد:

دستور این آیه جنگ با کسانی است که با مسلمین می‌جنگند، اینها دو دسته اند:

- کشور و دولت‌هایی که به مسلمین حمله ور شده اند، بنابراین سایر کشورها تا زمانی که تجاوز نکرده اند، نباید مورد حمله قرار گیرند.

- افرادی از کشور متحارب که در میدان جنگ می‌جنگند باید مورد حمله قرار گیرند، یعنی رزمندگان و نیروهای آماده جنگ، اما سایر کسانی که دست به اسلحه نبرده و نیروی رزمنده نیستند و هرگز اقدامی علیه مسلمین نکرده اند را شامل نمی‌شود. زیرا آنها روی مسلمین شمشیر نکشیده اند.^۵

- تجاوز و زیاد برای منع شده است که از این بخش از آیه می‌توان منع تجاوزگری و هم خودداری از توسل به کشتار بی‌رویه حتی نسبت به نیروهای رزمنده را استنباط نمود.

ثالثا: آیه مورد نظر پیروان نظریه مذکور را باید به آیات سوره بقره و سوره محمد (ص) تفسیر کرد، در این صورت یا باید قائل بر نسخ آیات مذکور شویم، که پذیرفتنی نیست یا باید رابطه آیات مذکور با یکدیگر را، مطلق و مقید دانست و تا زمانیکه چنین است، نمی‌توان از نسخ سخنی به میان آوریم.

رابعا: فقهای شیعه حداقل در مورد اهل کتاب به صراحت نظر داده اند که آن دسته از اهل کتاب را که از جنگ کنار کشیده اند را نمی‌توان رزمنده محسوب کرد.^۶

در اسلام فقط در دو مورد اجازه حمله به مناطق غیر نظامی داده شده است:

اول: زمانی که دشمن در شهر مورد محاصره قرار گرفته و از آنجا به نیروهای اسلام ضربه وارد می‌کند و هیچ راهی برای فتح قلعه و شهر وجود ندارد؛ و هرگونه عملیات نظامی موجب ورود آسیب به مردم غیر نظامی میشود. در این صورت جایز است که بر روی دشمن آتش گشوده می‌شود. همانگونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در نبرد طائف با وجودی که زنان و کودکان و پیران در قلعه بودند، آن را با منجیق در هم کوبید. حتی اگر اسیران مسلمان هم در شهر باشند، اگر عدم اقدام به این کار موجبات شکست مسلمانان را فراهم آورد اقدام جایز است.^۷

دوم: هنگامی که دشمن غیر نظامیان را سپر خود قرار داده و پشت سر آنها پناه گرفته و از آنجا به لشکرگیان اسلام ضربه وارد می‌کند. برای مثال پایگاه‌های هوایی و یا موشکی یا توپخانه خود را در شهر مستقر کرده

^۴ . سوره بقره، آیه ۱۹۰ .

^۵ . مرتضی، مطهری، جهاد، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۲۸

^۶ . ابی جعفر، طوسی، المبسوط، قم، مکتب احیاء آثار جعفری، ۱۳۷۶، ص ۱۱.

^۷ . همان.

با در اطراف پایگاه خود، برای مسلمان با افراد غیر نظامی را جا داده است و هیچ راهی برای سرکوب او نیست، در چنین صورتی نیز به شرط این که نبرد و جنگ با شدت ادامه داشته باشد و پیروزی متوقف به این امر باشد، می توان تنها پایگاه را مورد هدف قرار داد، اگر چه موجب کشته شدن غیرنظامیان گردد.^۸

۳- قربانیان جنگی

این افراد کسانی هستند که در جنگ مجروح شده یا به اسارت دشمن درآمده اند.

۳-۱- اسیران

با وجود کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو در خصوص رفتار با اسیران، وضعیت آنان در دوران جنگ دوم جهانی بسیار اسف بار بود. پس از جنگ جهانی با تدوین معاهده سوم ژنو و پروتکل الحاقی، مقرراتی در خصوص اسیران جنگی تدوین شد که مکمل کنوانسیون ۱۹۲۹ بود.

در حقوق اسلام رفتار با اسیر مقررات مفصلی دارد. ابتدا تذکر این نکته لازم است که بین تعریف و مصادیق اسیر در حقوق اسلام با حقوق بین الملل تفاوت هایی وجود دارد. در حقوق بین الملل اسیر به کسی اطلاق می شود که بهر صورت در میدان جنگ دستگیر شود، خواه داوطلبانه تسلیم شود و خواه به اجبار او را دستگیر کنند.^۹ علاوه بر این بین نیروهای نظامی و شبه نظامی داوطلب، اعضای جنبش های آزادی بخش و مقاومت مردمی، خدمه کشتی های تجاری و هواپیماهای کشوری فرقی نیست. اما در حقوق اسلام کسانی که خود را تسلیم کنند با شرایط زیر اسیر محسوب نخواهند شد و آزاد می گردند.

- در بحبوحه جنگ و قبل از معلوم شدن سرنوشت جنگ (پیروزی مسلمین) تسلیم شده و تقاضای امان نمایند.^{۱۰}

- تقاضای امان آنها توسط رهبر مسلمین یا هریک از مسلمانان با در نظر گرفتن مصالح اسلام و مسلمین پذیرفته شود.^{۱۱}

در حقوق اسلام نیز تفکیکی میان رزمندگان صورت نگرفته است و همه کسانی که در جنگ شرکت کرده اند در صورت دستگیری اسیر محسوب می شوند.

امروزه یک اصل مسلم جنگی وجود دارد که در حین عملیات و هنگام پیشروی و یا مقاومت در مقابل تک دشمن، به دلایل امنیتی و تدارکاتی امکان گرفتن اسیر وجود ندارد؛ و گرفتن اسیر در پایان عملیات انجام می شود. قرآن کریم در این خصوص می فرماید:

^۸ . محمد حسن، نجفی، جواهر الکلام، تهران، جلد ۲۱، انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۱، ص ۷۴

^۹ . شارل، روسو، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه سید علی هنجی، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۳

^{۱۰} . محقق علامه، حلی، شرایع الاسلامی، ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی، جلد ۲۱، انتشارات دانش پژوه، چاپ ششم، تهران، انتشارات

دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص ۳۱۵.

^{۱۱} . همان.

«ما كان لنبى أن يكون له أسرى حتى يثخن فى الأرض»^{۱۲}

«هیچ پیامبری حق ندارد اسیر بگیرد، مگر این که در زمین غالب شود.»

بر همین مبنا فقها نظر داده اند که چنانچه کسی قبل از پایان قتال و عملیات جنگی اسیر شد در هر حال امام باید وی را به قتل برساند. مگر این که مسلمان شود. لیکن به محض پایان یافتن عملیات اگر فردی به اسارت رزمندگان اسلام درآمد، قتل اور حرام است.^{۱۳}

۳-۲- حقوق اسیران

۳-۲-۱- رفتار انسانی

در حقوق اسلام رفتار انسانی داشتن با اسیر (و به طور کلی با همه کسانی که در بند هستند) از وظایف مسلمانان است؛ و حق هیچ گونه آزار و اذیت و اهانتی نسبت به آنان را ندارند، پیامبر اسلام در جنگ بدر می فرمودند: . به اسیران اکرام کنید و آنها را در غذای خودتان مقدم دارید.

امام صادق (ع) می فرماید:

«واجب است که به اسیران آب و غذا داده شود و با مهربانی با آنها رفتار شود حتی اگر قرار باشد اعدام شوند.»^{۱۴}

از این رو مسلمانان حق ندارند کوچکترین آزار و اذیتی به اسیر بنمایند، همچنین اهانت به او نیز جایز نیست و باید نسبت به آنان اخلاق اسلامی را رعایت کرد.^{۱۵}

پیامبر بزرگ اسلام مسلمانان را مکلف ساختند تا کرامت انسانی اسرا را محترم شمارند و به آنها ظلم نکنند، زیرا هدف هدایت آنان است. رسول خدا بلال را نهی کردند از این که اسرا را از میان اجساد و کشته ها که موجب آزار و اذیت و تآثر خاطر آنها می شد، عبور دهد، ابن اسحاق روایت می کند، که در جنگ خیبر ، پس از فتح قلمه برقموص»^{۱۶} «صفیه» دختر «حی بن اخطبه از مهرانه مد که توطئه های بسیاری علیه اسلام کرده بود (از جمله راه اندازی نبرد خندق) ، به همراه زنی دیگر از میان کشته شدگان عبور داده نزد پیامبر آوردند. آنها الی دال اجساد کشته شدگان خود به شدت متأثر شده بودند. زنی که همراه تصفیه هودر صورت خود را زخمی و خاک بر سر خود ریخته بود، پیامبر از این حال بسیار ناراحت شدند و به بلال خطاب کردند که عاطفه ات کجا رفته؟ آیا زنان را از بین اجساد مردانشان عبور می دهی؟^{۱۷} امام علی (ع) خطاب به فرزندش امام حسن (ع) فرمودند-

۱۲ . سوره انفال، آیه ۶۷ .

۱۳ . احمدی میانجی، الاسیر فی الاسلام، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۹، ص ۱۳۳ .

۱۴ . همان .

۱۵ . علی محمد، اسدی، احکام جبهه، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ۱۶ .

۱۶ . مستحکم ترین دژ یهودیان که توسط امام علی (ع) فتح شد .

۱۷ . کامل، ابن اثیر، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی، چاپ بینه، ۱۳۸۳، ص ۲۹۵ .

«ارفق یا ولدی باسیرک و أرحمه و أمن الیه» از نظر شرع مقدس اسلام علاوه بر اینکه اهانت به اسراء جایز نیست، باید نسبت به آنها با اخلاق اسلامی رفتار کرد.^{۱۸}

قرآن کریم یکی از خصوصیات و مشخصه های شخص مسلمان را اطعام - اسیر بیان می دارد:

«و از غذایی که دوست دارند به مساکین، یتیمان و اسیران را می دهند».^{۱۹}

فردی بنام «ابو عزیز بن عمیر» (برادر مصعب بن عمیر) که در جنگ بدر اسیر شد میگوید:

وقتی از پدر مرا به سوی مدینه می آوردند، همراه گروهی از انصار بودم چون به غنا می نشستند، نان را به من می دادند و خودشان خرما می خوردند (ارزش نان به دلیل کمبود گندم در مدینه برای مسلمانان در آن زمان بیشتر بود و این به سبب سفارشی بود که پیامبر درباره اسیران کرده بود و هر کس پاره نانی به دست می آورد به من می داد و من شرمگین میشدم و به آنان پس می دادم و باز به من می دادند و دست به آن نمی زدند. به همین دلیل تأمین غذای اسیر به حد کافی را بر مسلمانان واجب کرده اند.

۳-۲-۲- محل نگهداری

مطابق ماده ۲۵ کنوانسیون ژنو در باره معامله با اسیران جنگی مصوب ۱۳۴۹، وضع مسکن اسیر باید به خوبی وضع مسکن نیروهای کشور بازداشت کننده در همان ناحیه باشد و با اخلاق و عادات آنها متناسب باشد و به سلامتی آنها مضر نباشد. شیوه عمل پیامبر اسلام نه در خصوص اسیران جنگ این بود که با آنان را میان مسلمانان تقسیم می نمودند تا در خانه های خود نگهداری کنند یا در مسجد از آنها حفاظت می شد. به این ترتیب محل زندگی اسیران همان محلی بود که خود مسلمانان زندگی میکردند؛ و حتی گفته شده است که گاه پیامبر برخی از اسیران را در خانه خود نگهداری می کردند.^{۲۱}

نگهداری اسیران توسط مسلمین به این اعتبار بود که علاوه بر دولت اسلامی، آنها نیز ضامن سلامت اسیران بودند. ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می نویسد: «خالد بن مشام» و «امیه بن حذیفه» در تن از مشرکین مکه در خانه دام سلمه» و «سهیل بن عمرو» در خانه «سوده بنت زمعه» که از همسران پیامبر بودند، نگهداری می شدند. پیامبر تأکید داشتند که نحوه نگهداری اصرا نباید به گونه ای باشد که موجب اذیت و آزار آنها شود. «بیهقی» حکایت می کند که در جنگ بدر مسلمانان عباس عموی پیامبر را به اسارت گرفتند و دست و پای او را محکم بسته بودند به گونه ای که شب هنگام صدای ناله او بلند بود، مسلمین دریافتند که پیامبر از این موضوع ناراحت هستند، به همین دلیل دست و پای او را باز کردند.^{۲۲} ظاهر این امر عمومیت پیدا کرد. زیرا به همین دلیل برخی از اسرا موفق به فرار می شدند. مثلاً اسیری که در خانه عایشه نگهداری میشد موفق به فرار شد. بنابراین مسلمین به حکم قرآن مکلف شدند دستها و بازوان اسرا را ببندند.

۱۸. اسدی، پیشین، ۱۶.

۱۹. سوره دهر، آیه ۸.

۲۰. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد سوم، انتشارات اساطیر، ص ۹۷۸.

۲۱. علامه حلی، قواعد الاحکام، موسوعه الینابیع، جلد نهم، انتشارات دارالکتاب، ۱۳۷۴، ص ۲۴۹.

۲۲. همان.

۲۳. سوره محمد، آیه ۴.

۳-۲-۳- لباس اسراء

پیامبر اجازه نمی دادند اسرا را عریان کنند. به همین دلیل در جنگ بدر به اسرا لباس پوشانند. حتی پیامبر لباس خود را به عباس پوشانند و در یکی دیگر از جنگ ها لباس خویش را به نوه دختری «حاتم طایی» دادند.^{۲۴}

۳-۲-۴- استفاده از کار

امروزه در حقوق بین الملل با توجه به ماده ۴۹ قرارداد ژنو درباره معامله با اسیران به دولت بازداشت کننده اجازه داده شده است که متناسب با وضعیت هرضمن حفظ سلامت جسمانی و روانی وی، کارهایی را به او واگذار کند در مقابل آن مزد و حق الزحمه پرداخت نمایند. این در حالی است که هرا و چهارصد سال پیش در حقوق اسلام مقرر شده است که اگر اسیران به کار گرفته شوند، باید در مقابل پرداخت مزد و اجرت باشد؛ و مسلمان حق ندارد که در این خصوص به کارگر اسیر خیانت کند. در عین حال نمی توان از آنها در امری که به نحوی از انحا با جنگ مرتبط می شود استفاده کرد.

۳-۲-۵- پایان اسارت

حقوق اسلام وظیفه اصلی دولت اسلامی را در خصوص اسرا راهنمایی آنها دانسته و به همین دلیل خداوند متعال به پیامبر خود چنین امر می کند:

يا أيها النبي قل لمن في أيديكم من الأسرى إن يعلم الله في قلوبكم خيرا يؤتكم خيرا مما أخذ منكم ويغفر لكم والله غفور رحيم * ۲۵

ای پیامبر به کسانی که در دست شما اسیرند بگو اگر خدا در دست های شما خیری بهتر از آنچه از شما گرفته شد به شما اعطا میکند و بر شما ببخشد و خدا آمرزنده و مهربان است .

با توجه به آنچه گفته شد، در صورتی که اسیر ایمان نمی آورد، پایان اسارت به یکی از طرق زیر صورت می گرفت.

۳-۲-۶- آزادی بدون قید و شرط

در این روش که فقها به آن «من» می گویند. اسرا بدون هیچ شرط با دریافت مالی آزاد می شوند. بر اساس قول فقها این امر مشروط به نظر و مصلحتی است که امام تشخیص می دهد. در جنگ بدر به دستور پیامبر برخی از اسرا بدون قید و شرط آزاد شدند. در جریان فتح مکه بسیاری از سران قریش که بیشترین آزار را در حق پیامبر روا داشته بودند و در طول سیزده سال حضور در مکه هرچه توانستند کردند و رد نهایت نیز

^{۲۴} . سید ابوالفضل، میرمحمدی زرنندی، تاریخ و علوم قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۵

^{۲۵} . سوره انفال، آیه ۷۰

برنامه ترور رسول الله را ترتیب دادند، توسط پیامبر آزاد شدند و به آنها فرمود بروید که شما از آزاد شدگان هستید.^{۲۶}

هنگامی که ماه مبارک رمضان حلول میکرد، پیامبر دستور آزادی همه اسرا را میدادند. برخی افراد نیز به دلیل داشتن برخی صفات و کمالات عالی آزاد می شدند.

۳-۲-۷- دریافت فدیة

اسراء ممکن است با پرداخت دیه آزاد شوند، فدیة می تواند پول یا مال یا انجام عمل یا خدمتی باشد. مثلاً در جنگ بدر پیامبر اسراء قریش را در مقابل پرداخت مبالغی آزاد فرمودند و به آنهایی که سواد داشتند امر فرمودند چنانچه هر نفر د مسلمان را باسواد کند آزاد خواهد شد.^{۲۷}

۴- مبادله اسیران

یکی از مرسوم ترین روش های آزادی اسراء مبادله است، به عنوان مثال پیامبر عمرو بن ابو سفیانه را با فردی به نام اسعد بن نعمان بن اکال، مبادله نمودند.^{۲۸}

۵- کشتن اسیر

اصل اساسی در اسلام ممنوعیت کشتن اسیر است و جز در شرایط خاص آن هم با حکم امام و رهبر مسلمین جایز نیست و اگر کسی اقدام به قتل اسیر نماید قاتل مجازات می شود و بنابر نظر برخی از فقها، از قاتل دیه او دریافت می شود. قتل نیز حکم کسانی است که مرتکب خیانت جنگی شده با محرز شده باشد که فردی از مسلمانان را کشته است. همانگونه که پیامبر اکثانه بن ابی الحقیق را در جنگ خیبر برای قصاص در اختیار فردی به نام محمد بن مسلمه گذارد.

سران کفر و الحاد نیز که از عوامل اصلی جنگ علیه مسلمانان محسوب می شدند، مانند «حی ابن اخطب» که از عوامل اصلی بروز جنگ احزاب برد و کعب بن اسد، رئیس قبیله بنی قریظه که عامل اصلی خیانت این قبیله به مسلمین بود، اعدام شدند. افرادی نیز که که با طراحی توطئه های فراوان، خسارات مادی و معنوی بسیاری به مسلمین وارد کرده بودند نیز اعدام می شدند.

مانند عقبه بن ابی معیط و نضر بن حارث، افرادی نیز که با استفاده از روش های فرهنگی و هنرمندانه و تاثیر گذار مانند شعر و سخنوری علیه اسلام تبلیغ کرده و مشرکان را تحریک به جنگ با مسلمانان می کردند نیز مجازات می شدند مانند فردی به نام «ابا عزا که شاعر بود و با شعر خود کمار را تحریک می کرد.

پس از پایان جنگ احزاب، قبیله بنی قریظه که با نقض پیمان خود، به پیامبر خیانت کرده بودند، مورد حمله رسول گرامی اسلام قرار گرفتند. پس از اینکه بنی قریظه به مدت ۲۵ روز محاصره شدند، ناگزیر خود را تسلیم رسول الله کردند. آنچه که در کتب تاریخی آمده این است که با اصرار قبیله اوس که از هم پیمانان

^{۲۶} . زرنندی، پیشین.

^{۲۷} . محمد ابراهیم، آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، تصحیح ابوالقاسم گرگی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

^{۲۸} . محمد بن جریر طبری، پیشین، ۹۸۳.

بنی قریظه در دوران جاهلیت بودند، پیامبر سعد بن معاذ را به عنوان حکم ز داور انتخاب می‌کند، تا در مورد سرنوشت آنان تصمیم‌گیری کند. سعد نیز بنا به آنچه که در برخی از کتب تاریخی آمده حکم می‌کند که همه مردان آنان کشته و زنان و کودکانشان به اسارت گرفته شوند. پیامبر نیز حکم سعد را به اجرا می‌گذارد.^{۲۹}

این حادثه از جوانب مختلف مشکوک بوده و قابل بررسی است، به ویژه اینکه مورد استناد و عملاً هیچ یک از فقها نیز قرار نگرفته است:

اول اینکه این حادثه هیچ شباهتی با عملکرد و سیره پیامبر در قبل و بعد از این حادثه ندارد و حتی با صراحت برخی از آیات قرآن در خصوص رفتار با اسیران مغایرت دارد، به ویژه آیه چهار سوره محمد.

دوم اینکه، چنین شدت عملی نه از نظر سیاسی و نه از نظر زمانی ضرورت نداشت. زیرا این حادثه پس از پیروزی درخشان مسلمانان در جنگ احزاب و گسترش و نفوذ و عظمت و تثبیت موقعیت مسلمانان صورت گرفت. پیامبر در زمانی که قدرت نظامی و نفوذ کمتری داشتند با دو قبیله ی دیگر یهود یعنی «بنی النظیر» و ابی القیتفاع» مدارا کردند، با وجودی که در آن زمان خطر یهود بسیار بیشتر بود.

سوم اینکه، مورخین در نقل حوادث زمان پیامبر و سایر معصومین دقت نظر و حساسیت‌هایی را که فقها در بررسی دقیق و همه‌جانبه روایات از حیث سندیت و صحت و سقم آنها به کار می‌برند تا نسبت به قطعی‌الصدور بودن آنها یقین حاصل کنند، به کار نمی‌برند. این حادثه نیز همین وضعیت را دارد. ضمن اینکه ظاهراً حادثه اول بار توسط ابن اسحاق حدود ۱۴۰ سال پس از حادثه بیان شده و سلسله‌ی روایت وی نیز نامعلوم هستند. پس حداقل حادثه را از نظر روانی باید بسیار ضعیف ارزیابی کرد به ویژه اینکه مورخینی مانند «ابن حجر عسقلانی، اصلاً آنرا باور نکرده‌اند.

چهارم اینکه، اشکال عمده این روایت، آمار کشته‌شدگان است که بسیار متفاوت بیان شده‌اند، از چهل نفر) تا چهار صد و پنجاه نفر و تا نهصد نفر نیز بیان شده است. چنین تفاوتی ارزش و اعتبار روایت را کاملاً مخدوش می‌کند.

پنجم اینکه، نباید از داستان پردازی و نفوذ تحریفات یهود در تاریخ اسلام غافل باشیم، به ویژه اینکه در جای جای این حادثه، مظلوم‌نمایی و اسطوره‌سازی برای یهودیان به چشم می‌خورد. حوادث نقل شده در این داستان، شباهت بسیاری با قضایای محاصره اورشلیم در سال ۷۳ میلادی توسط «تیتوس» فرمانده رومی دارد.

با توجه به آنچه که بیان شده، به نظر می‌رسد بتوان به آنچه که «ابن جوزی» بیان کرده استناد کرد. وی معتقد بود، حکم سعد، فقط شامل کسانی شد که نقش اساسی در جنگ داشته‌اند و یا به نقل از هری «توجه کرد که اشعار داشت، در این روز تعدادی مرد کشته شدند. آئین اقوال با آیات ۲۶ و ۲۷ سوره احزاب نیز سازگارترند.

^{۲۹} . ابن هشام، سیره النبویه، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، جلد ۲، ص ۱۷۳.

^{۲۰} . سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، قم، انتشارات دارالحدیث، جلد ۱۲، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸.

۶-۱- مجروحان و بیماران بازمانده از جنگ

در حقوق اسلامی، لشکریان اسلام، در وهله اول حق کشتن مجروحان دشمن را ندارند. حتی برخی معتقدند که باید آنها را به محل خود برگردانند. در این خصوص از امام علی بن الحسین من قولی وجود دارد که می فرماید:

«اگر اسیری را گرفتند که قادر به راه رفتن نباشد و وسیله ای که بتوان با آن وی را حمل کنید نداشته باشید، پس او را به محل خود بفرستید و نکشید؛ زیرا حکم امام را در مورد وی نمی دانید.» از این جهت که چون بعد از اتمام عملیات کشتن اسراء جایز نیست و حکم امام نیز مشخص نمی باشد و چون کشتن نیاز به دلیل دارد و چنین دلیلی وجود ندارد. پس باید او را آزاد گذاشت، تا نیروهای طرف مقابل هنگام جمع آوری زخمیان و بیماران او را به پشت جبهه منتقل کنند.

از طرف دیگر، با عنایت به اینکه اصولاً مجروحین، بعد از عملیات باید آزاد شوند، آن دسته از مجروحین که امکان دارد بعد از عملیات به همکاری خود با دشمن ادامه دهند، جمع آوری می شوند، ولی کشتن آنها به دلیل حرمت قتل اسیر جایز نمی باشد. در وهله دوم به مقتضی احسان باید آنها را مورد مداوا قرار داد. در جنگ تهروان امام علی فرمان دادند چهل نفر از خوارج نهروان را که مجروح شده و در میدان باقی مانده بودند برای مداوا به کوفه برسانند و تمامی مجروحان را که توانی برای آنها باقی مانده بود، به خانواده هایشان برگردانند، خواه امکان معالجه آنها فراهم باشد یا نباشد.

۶-۲- مقتولان

در این خصوص حقوق اسلام اجازه هیچ گونه هتک حرمت به اجساد . سربازان دشمن و آتش زدن آنها و مثله کردن و امثال آن را نمی دهد. امام علی (ع) می فرماید:

«لا یجوز المثلثه و لو بالکلب العقور» این حکم در حین عملیات و پس از پایان آن یکسان است. تطبق سنت گذشته به کفار اجازه بردن اجساد سربازانشان داده میشود ولی اگر آنها اندام نکردند، دفن اجساد دشمن لازم است. از نظر علمای اسلام قطع سر کشته شدگان و گرداندن آنها در میدان جنگ و شهرهای آنها مکروه است. اکثر فقهای شیعه مثله کردن و اهانت به کشته های دشمن را جایز نمیدانند ولی بعضی از فقهای سنی این عمل را مکروه دانسته اند برخی از فقهای شیعه دفن اجساد دشمن را واجب دانسته اند. روایت شده است که رسول خدا در مسیری میرفتند و به جسدی برخوردند؛ فرمودند، آن را دفن کنید و از مسلمان بودن یا کافر بودن وی سوال نکردند. پیامبر گرامی اسلام همچنین فرموده اند:

ان الله كتب الاحسان علی کل شی یاذا تلم فاحسنوا المثلثه» (۵) خداوند احسان را در هر چیزی راجب شمرده است. پس هرگاه با دشمن جنگیدید. با کشته شدگان رفتار نیکو داشته باشید .

۳۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، چاپ پنجم، بیروت، انتشارات دار الاحیاء، ۱۳۷۰.

۳۲. شیخ محمد حسن نجفی، پیشین، جلد ۲۱، ص ۱۳۹.

در اسلام از منظر حقوق بشردوستانه، صلح همواره در اولویت بر جنگ استوار است. در صورت وقوع جنگ - که البته آن هم دفاعی است، نه تهاجمی - تمامی آنچه امروزه به عنوان حقوق بشر دوستانه در مخصصات بین المللی مطرح شده، نه تنها در صدر اسلام مورد توجه قرار گرفته است، بلکه در مقام مقایسه با قوانین بین المللی عصر کنونی و کنوانسیون های مختلف، انسانی تر می نماید. پیامبر(ص) و ائمه اطهار در همه جنگ ها می کوشیدند از اقتناع برای توجیه و واداشتن دشمن به اجتناب از جنگ بهره ببرند و همیشه تلاش می شد که مسلمانان آغازگر جنگ نباشند. فرماندهان سپاه اسلام همیشه پیش از جنگ، در حین جنگ و پس از پایان جنگ، به رعایت حقوق انسانی سفارش می شدند. امروزه آنچه را که در بحث حقوق بشردوستانه شاهد آن هستیم، شامل عرف ها و آداب و رسوم جنگ، همچنین کنوانسیون های مختلف همچون کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل های الحاقی آن، همگی نمودی تازه از آن چیزی است که در اسلام وجود داشته و به صورت مقررات جنگی در اسلام لازم الرعایه بوده است.

منابع:

- قرآن کریم
- ۱- آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تصحیح ابوالقاسم گرگی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- ۲- ابن اثیر، کامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی، چاپ بینه، ۱۳۸۳.
- ۳- ابن هشام، سیره نبوی، سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه، جلد ۲.
- ۴- احمدی میانجی، الاسیر فی الاسلام، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۹.
- ۵- اسدی، علی محمد، احکام جبهه، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
- ۶- حافظ، ابوالعداء، ابن کثیر، البدایه النهایه، انتشارات دارالکتاب، جلد چهارم.
- ۷- حر عاملی، وسایل الشیعه، چاپ پنجم، بیروت، انتشارات دار الاحیاء، ۱۳۷۰.
- ۸- حلی، محقق علامه، شرایع الاسلامی، ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی، جلد ۲۱، انتشارات دانش پژوه، چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- ۹- حلی، علامه، قواعد الاحکام، موسوغه الینابیع، جلد نهم، انتشارات دارالکتاب، ۱۳۷۴.
- ۱۰- طوسی، ابی جعفر، المبسوط، قم، مکتب احیاء آثار جعفری، ۱۳۷۶.
- ۱۱- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران، جلد ۲۱، انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۱.

- ۱۲- روسو، شارل، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه سيد علي هنجني، تهران، دفتر خدمات حقوقي بين المللي، ۱۳۸۰.
- ۱۳- عاملی، سيد جعفر مرتضی، الصحيح من سيره النبي الاعظم، قم، انتشارات دارالحدیث، جلد ۱۲، ۱۳۸۵.
- ۱۴- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰.
- ۱۵- طبری، محمدبن جریر تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد سوم، انتشارات اساطیر.
- ۱۶- محقق داماد، مصطفی، حقوق بشردوستانه بين المللي، تهران، مرک نشر علوم اسلامي، ۱۳۸۳.
- ۱۷- مطهری، مرتضی، جهاد، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۷۰، ص ۲۸
- ۱۸- ميرمحمدی زرندي، سيد ابوالفضل، تاريخ و علوم قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۵
- ۱۹- هنکرتز، ژان ماری، حقوق بين الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بين الملل قوه قضائيه و کميته بين المللي صليب سرخ، تهران، انتشارات مجد.